

## قومیت چیست و چه مشخصه هایی دارد؟

نوشته: دکتور خوش نظر پامیرزاد

۲۷ فبروری ۲۰۱۹

در این روزها بازار سیاست در داخل و خارج کشور بر مسایلی تمرکز یافته که تعدادی از افراد و اشخاص تلاش می ورزند تا هویت قومی ای را متبازل بسازند که بر بنیاد آن برتری قومی خویش را نشان بدهند. هرچند اوضاع آشفته کشور که روز تا روز آشفته تر می شود با داشتن صدها زخم بر پیکر خویش زخم خونین دیگری از این ناحیه به آن علاوه می گردد. این تعداد افراد از سیاسیون ما که از بابت هویت ملی چنان تهیدست اند که به هر چیزی دست می اندازند و تلاش می ورزند هر آن چه به دست شان برسد به نام خود قلمداد کنند، بدون آن که به ماهیت سخنان خویش توجه کنند با احساسات و هیجان تمام آن را در هر جا زمزمه می نمایند .

در رابطه به این مسئله از نام رئیس دولت وحدت ملی جناب اشرف غنی در مطبوعات خبری به نشر رسید که قرار است پنج ولایت جدید به تعداد ولایات افزوده شود. در قطار این پنج ولایت جدید یکی هم به نام پامیر شنیده شد که رئیس دولت جمله ای را بر آن افزوده بود که اقوام پامیری نیز حق دارند که دارای تشکیلات اداری جداگانه باشند .

قبل از آن که به اصل موضوع بپردازم جای دارد یادآوری کنم که از سالیان زیادی اقوام پامیری که در کنار ساحل دریای پنج زیست دارند و دایما در معرض قهر طبیعت هستند، نسبت عدم توجه حکومتداران ولایت همین خواسته را از دولت های وقت داشتند که در دوره ریاست جمهوری جناب حامد کرزی چندین ها بار به صورت کتبی و شفاهی خواستار ولایت جدیدی به این نام بودند که وعده های گرم آن جناب آن ها را دلگرم می ساخت. ولی هرگز جنبه عملی نیافت. قرار معلوم حامد کرزی هر باری که می خواسته تشکیل ولایت

جدید را امضاء کند زیر فشارهای معامله گران بدخشان قرار می گرفت و از امضاً کردن آن منصرف می شد .

این روزها که باز بازار کمپاین های انتخاباتی بار دیگر داغ شده، وعده رئیس جمهور فعلی هم بار دیگر باعث شده تا تعدادی از این تیکه داران قومی سروصدا را بلند کرده اند. به سلسله این سروصدا ها مصاحبه داکتر لطیف پدرام در دنیای مجازی هلهله ای را به راه انداخته است. برای بهتر واضح شدن مسئله مصاحبه موصوف را ضمیمه می کنم تا به محتوای این مصاحبه خواننده دسترسی داشته باشد .

پدرام ادعا دارد که رئیس جمهور قوم تاجیک را به صد قوم تقسیم می کند و بعد نام می گیرد که پامیری، شغنی، واخانی، وخی، یفتلی، شهربزرگی و... .  
در بخش دیگری می گوید که روشن یک اسم محل است، پامیر یک جای است، به زبان پامیری گپ می زنند. او با شدت تاکید می کند که این ها تاجیک ها اند .  
جالب است اگر به این گفته های آقای پدرام تأمل شود. وقتی ما از شغنان نام می گیریم به یقین نام جای یا محل است و شغنی ها کسانی اند که در شغنان زنده گی دارند و دارای هویت مشخص خود اند که به زبان "خُرنونے" (شغنانی) حرف می زنند. همین طور است واخانی که در واخان به زبان خود شان "بنیکوار" (واخانی) صحبت دارند. یفتلی ها که در یفتل زنده گی دارند، برخی ها به زبان فارسی و تعداد دیگر به زبان ازبکی مکالمه دارند. در شهربزرگ مردمان به زبان فارسی گپ می زنند. روشن درست است که یک نام یک منطقه است. اما روشانی ها دارای هویت مشخص قومی اند که زبان روشانی از قدیمی ترین زبان های آریایی است که هم اکنون تعداد زیادی از کلمات زبان اوستایی در این زبان محفوظ مانده است .

با مشخصاتی که تذکر یافت تاکید آقای پدرام بر تاجیک بودن این اقوام سوالی را خلق می کند که آیا پدرام از این مشخصه های یک قوم بی خبر است یا این که می خواهد با احساسات و هیجان ادعای رئیس جمهور اشرف غنی را به چالش بکشد که گویا به این اقوام نام پامیری را داده است؟ ویا بار دیگر کمر بر بسته تا از ولایت شدن پامیر جلوگیری کند؟

به هر صورت برای دریافت پاسخ به این سوال ها ببینیم که هویت قومی شغنانی ها، واخانی ها و دیگر اقوام این مناطق دقیقاً چه است؟ در گام اول باید دریافت که قومیت چه است و کدام مشخصه ها یک قوم را از قوم دیگر متمایز می سازد؟

پاسخ این پرسش را می شود از ویکیپدیا، دانشنامه آزاد دریافت که نوشته شده است: قوم گروهی از انسان هاست که اعضای آن دارای ویژه گی های نیایی، و اصل و نسب یک سان یا مشترک هستند .

مشخصات قومیت این گونه آمده است که گروه های قومی اغلب دارای مشترکات فرهنگی، زبانی، رفتاری، و مذهبی هستند که ممکن است به آباء و اجداد شان برگردد. یا بر اساس عوامل دیگری به وجود آمده باشند. بنابر این یک گروه قومی می تواند یک جامعه فرهنگی نیز باشد .

دانشمندان جامعه شناس ابعاد دیگری چون فرهنگ، هنر، عادات و رسوم، باورها، طرز پوشش لباس، انواع و نحوه های تهیه غذا را نیز از این مشخصه ها به حساب می آورند .

بر اساس این تعاریفات ببینیم که میان شغنانی ها و تاجیک های بدخشان چه وجه مشترکی از این مشخصه ها وجود دارد :

#### 1- از نظر فرهنگی: در تمام عرصه های فرهنگی تفاوت های کلی میان آن ها

دیده می شود. اگر به مراسم عروسی هر دو قوم توجه کنیم. عروسی شغنانی یادگاری از دوران باستان آریایی هاست. چه از نظر طرز لباس عروس و شه مرد و چه از نظر تهیه غذا، چه از نظر محل برگزاری که شغنانی ها مراسم عروسی را در "چید" (امروزه به نام خانه های پامیری شهرت یافته ولی در اصل همان یادگار "ورجم یا جمشید" است) ولی عروسی تاجیکان بدخشانی ما امروز در مرکز ولایت در سالون های مجلل عروسی و در محلات در خانه ها برگزار می گردد. حتی اجرای موسیقی میان این دو قوم در این مراسم هم متفاوت می باشد. شغنانی ها موسیقی خاص چه در مراسم عروسی به نام دف ساز دارند که توضیح آن از حوصله این نوشتار بیرون است و چه در مراسم تعزیت و سوگواری که این نوع موسیقی مراسم تعزیت در شکل و ماهیتش در جهان منفرد است. یکی دیگر از رسومات فرهنگی که میان اکثریت اقوام افغانستان مشترک است؛ برگزاری از جشن نوروز می باشد که تاجیک های بدخشان نیز نوروز را گرامی می دارند. اما جالب

است که در شغنان به عنوان نوروز جشنی برپا نمی‌گردد. در شغنان این روز به عنوان "خدییر ایام" که سه روز را در بر می‌گیرد؛ برگزار می‌شود و این خدییر ایام همان یادگار جمشیدی است که زرتشت با آوردن دین جدید آن را ملغی ساخت که در مناطق دیگر شکل این عید تغییر یافت مگر این اقوام پامیری اند که با قبول قربانی هزاران فرزندشان میراث نیاکان را پاسدار شدند. پس معلوم است که شغنانی‌ها و تاجیکان بدخشان اقوام جدید از هم‌اند.

2 - از نقطه نظر زبان: تاجیک‌ها در بدخشان به زبان فارسی تکلم می‌کنند در حالی که شغنانی‌ها دارای زبانی به نام "خُرنونے" (شغنانی) اند که با زبان فارسی به صورت کل متفاوت است. زبان فارسی را زبانشناسان در جمله زبان‌های ایرانی غربی قرار می‌دهند در صورتی که زبان شغنانی در جمله زبان‌های ایرانی شرقی قرار می‌گیرد که زبانشناسان هفت زبانی را که در مناطق اطراف دریای پنج‌زنده گی دارند به نام زبان‌های پامیری شناخته‌اند که شغنانی یکی از آن‌ها است. برای یک امتحان هریک از برادران تاجیک یک بار آزمایش نماید که آیا نام زبان "خُرنونے" (شغنانی) را تلفظ کرده می‌توانند و چه اندازه در تلفظ آن موفق خواهند بود. در زبان شغنانی هفت صدا با این حروف **ب** (θ) **بیر** (خاکستر)، **خ** (3) **حَلِک** (خورد)، از جنس مونت)، **بن** (ǰ) **بنوقد** (شیر)، **ڈ** (δ) **ڈارگ** (چوب)، **خ** (C) **خروا** (چراغ)، **ف** (V) **فدیرم** (جاروب)، و **ر** (γ) **رنخبل** (زنجیر) شامل گفتار و نوشتار است. اما در زبان فارسی این صداها از مکالمه خارج گردیده‌اند. از نظر ساختمان زبان شغنانی و زبان فارسی با هم فرق دارند. گرامر زبان شغنانی و زبان فارسی کلاً متفاوت است. لذا دیده می‌شود که زبان‌های فارسی و شغنانی جدا از هم می‌باشند.

3 - از نظر مذهبی: مردمان شغنان معتقد به شیعه اسماعیلی بوده در صورتی که تاجیکان بدخشان تعدادی به عقیده سنی و تعدادی هم شیعه اسماعیلی اند که از نظر مذهبی میان این دو قوم فرقی وجود دارد.

از تفاوت های بالایی نتیجه حاصل می شود که شغنانی ها قوم جداگانه بوده و در ترکیب تاجیک شامل کردن به دور انصاف و نوعی زورگویی است که سالیان متمادی در برابر این مردم اعمال شده است .

هم چنان تفاوت ها در هنر، لباس، عادات و رسوم، باورها، تهیه غذاها است که این دو قوم را از هم متمایز می سازد. پس شغنانی ها قوم جدا از قوم تاجیک است. و این موضع گیری سیاسی است که اقوام را بدون در نظر داشت مشخصات قومی در جن بست منکر می شوند . همین تفاوت ها میان تاجیکان بدخشان با اقوام واخانی، منجانی، سنگلیچی، اشکاشمی نیز وجود دارد. از این که این ممیزه های قومیت در میان واخانی ها، اشکاشمی ها، منجانی ها، شغنانی ها و روشانی ها به صورت عموم مشترک اند که این اشتراکات سبب شده تا دانشمندان و پژوهشگران عرصه فرهنگ، زبان، تاریخ این اقوام را به نام پامیری مسمی ساختند که شهرت پامیری بودن این اقوام نه وابسته به رئیس جمهور افغانستان است بلکه دانشمندان جهان این نام را به این اقوام داده اند.

#### به چند نمونه ای از گفتار این دانشمندان در مورد پامیری ها:

در ویکیپدیا، دانشنامه آزاد آمده است: زبان های پامیری یک تقسیم به گروه منطقه ای، از زبان های ایرانی شرقی است، که توسط مردمان کوه های پامیر و حوالی رودخانه پنج و آبریز های آن تکلم می شود .

در سایت گیل آمرد اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، علمی نوشته شده است: یعنی زبان شان (پامیری ها) به دلیل دور بودن از تاخت و تاز عرب ها و دیگران، به آنچه ایرانیان باستان می گفتند نزدیکتر است. خانواده زبان های پامیری، از زبان های شغنی و یزغلامی گرفته تا زبان های مُنجی، وَخی، سنگلچی، ایشکاشیمی و... را دربر می گیرد .

پاخالینه حتی کتابی را به نام زبان های پامیری تالیف نموده است؛ با این مشخصات :  
مؤلف پاخالینه، ت.ن.

عنوان "زبانهای پامیری" (بزبان روسی) مؤلف ت.ن. پاخالینه ؛ مترجم ماهگل سلیمان دوست ؛ مهتم فهیمه ابدالی.

مشخصات نشر کابل : اکادمی علوم جمهوری افغانستان، مدکز زبانها و ادبیات انستیتوت ملیتهای برادر، ۱۳۶۶ .

دلچسب است که کامنسکی یکی از برجسته ترین ایران شناسان شوروی نیم قرن پیشتر در باره زبان های پامیری و فلکلور مردم پامیر در دانشگاه های بزرگ دنیا منجمله: دانشگاه سوربن در فرانسه، در دانشگاه های آلمان، ایتالیا، ناروی، اوکراین، قرقیزستان، تاجیکستان، ارمنستان، ترکمنستان و سایر جاها سخنرانی کرده و تدریس نموده است .

با این حقایق از زنده گی مردم پامیر آیا نام پامیر را رئیس جمهور اهدا کرده یا شخصیت های بزرگ علمی و اکادمی که حتی این نوع نامگذاری در ذات خود بینظیر است و هر آن که منکر این اصل شود، فقط می خواهد که افتاب را با دو انگشت پنهان سازد .

در این مصاحبه آن چه بیشتر برای ما پامیری ها قابل دقت است مسئله تاکید جناب پدram بر درهم فشردن قومی می باشد. می گوید باز اگر چهار ایالت در شمال را در اختیار داشته باشم ، باز کسی تاجیک را به واخانی و شغنانی و بدخشانی تقسیم کرده می تواند؟ فدرالی ما را نجات می دهد. اگر حکومت مرکزی بود باز یفتلی و شغنی و واخانی و شهربزرگی میشود .

عجیب است که پدram هدف نظام فدرالی را سرکوب اقوام پامیری ساکن بدخشان معین می کند که با دریافت چهار ایالت فدرال به حساب واخانی و شغنانی می رسد که چطور خود را باز شغنی یا واخی بگویند. هنوز که مسئله شناخت قومی در زیر تأثیر حکومت مرکزی قرار دارد و پدram در موضع مخالف این حکومت است تصمیم درهم کوبیدن این اقوام را می گیرد و فردا اگر به مقام حاکم دست یافت. سرنوشت پامیری ها از هم اکنون معلوم خواهد بود .

در دنیای امروزی موضع و موقف هر روشنفکر تأمین عدالت و مساوات برای اقوام ساکن کشور می باشد که این امر در ایجاد و تقویه جامعه مدنی متصور بوده می تواند و بس. جامعه مدنی نوید بخش ایجاد فضای دیموکراسی در پرتو قانون است که با تطبیق و تعمیق شهروندی نظام عادلانه به وجود آمده می تواند. این امر چه در حکومت های مرکزی و چه در حکومت فدرال حاصل شده می تواند و بس. نظام فدرال که بر بنیاد قانون و دیموکراسی متکی باشد، یقیناً تأمین عدالت در آن امیدبخش خواهد بود. در غیر آن در چنین وضعیت آشفته و درهم و برهم نظام فدرال همان شعار شما تطبیق خواهد شد که فقط هویت اقوام را

که هزارها سال با داشته های فرهنگی و تاریخی نمونه از آن زمانه های دور باقی مانده اند به نابودی بکشانای .

**خلاصه سخن:** امیدواریم که خبر پنج ولایت جدید باز هم یکی از وعده های انتخاباتی نبوده بنابر ضرورت حیاتی اقوام پامیری که در طی هژده سال حکومتداری نظام نوین با تمام شدت کوبیده شدند و حقوق حقه این اقوام زیر پا بود عملی گردد. و نکته دیگر قابل دقت این است که اگر ولایتی به نام پامیر ایجاد می شود به فرزندان اقوام پامیری فرصت کار داده شود و از زیر سایه معامله گران ولایت جدید التاسیس به دور نگاه داشته شود .

و من التوفیق